

## Research Paper

# Designing a Public Participation Pattern in Policy Making With a Multi-Method Approach



\*Vajhollah Ghorbanizadeh<sup>1</sup>, Rasoul Motazedian<sup>1</sup>, Davoud Hoseinpour<sup>1</sup>, Abbasali Rahbar<sup>2</sup>

1. Department of Public Administration, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

2. Department of Political Sciences, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Use your device to scan  
and read the article online



**Citation:** Ghorbanizadeh, V., Motazedian, R., Hoseinpour, D., & Rahbar, A. (2021). [Designing a Public Participation Pattern in Policy Making With a Multi-Method Approach (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 11(39), 68-93.



**Received:** 13 Aug 2020

**Accepted:** 18 Oct 2020

**Available Online:** 01 Aug 2021

### ABSTRACT

People's participation in political decisions has become increasingly important in recent years. Also, this issue has recently come to the attention of policymakers in Iran. Hence, this study aims to design a public participation pattern in policy making with a multi-method approach. The research consists of two stages: the first stage used the qualitative method of the case study. For this purpose, Switzerland has been selected and studied as a country with a long history of using direct participation mechanisms. The results of this stage entered the second stage of the research, which used the Grounded Theory to design a public participation pattern in policy making. According to the research pattern, the central phenomenon is public participation in policy-making, and the causal conditions that cause the concept of public participation in policy-making are composed of three categories of structural, economic, and behavioral factors. The contextual conditions come into two categories: the openness of the political space and the level of technology. Interventional conditions consist of two classifications: politicians' willingness to participate and public demand for participation. Strategies include public participation mechanisms, stage, level, and type of policy making, as well as how to balance the views of the elite and the public. Ultimately, the consequences will enhance the democratic legitimacy of the state, recognize the significant role of the people, and increase public trust. Political culture of direct participation is a collective learning process that takes time to develop, as well as opportunities to correct mistakes.

### Keywords:

Policy Making, Public Participation, Multi-Method Approach

### \* Corresponding Author:

**Vajhollah Ghorbanizadeh, PhD.**

**Address:** Department of Public Administration, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

**E-mail:** vghorbanizadeh@gmail.com

## مقاله پژوهشی

# طراحی الگوی مشارکت عمومی در خطمشی‌گذاری با رویکرد چند روشی

\*وجه‌الله قربانی‌زاده<sup>۱</sup>، رسول معتضدیان<sup>۱</sup>، داوود حسین‌پور<sup>۱</sup>، عباسعلی رهبر<sup>۲</sup>

۱. گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.  
۲. گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

## چکیده

تاریخ دریافت: ۲۳ مرداد ۱۳۹۹  
تاریخ پذیرش: ۲۷ مهر ۱۳۹۹  
تاریخ انتشار: ۱۰ مرداد ۱۴۰۰

مشارکت مردم در تصمیمات سیاسی سال‌های اخیر از اهمیت بالایی برخوردار شده است. در ایران نیز این موضوع به‌تازگی مورد توجه خطمشی‌گذاران قرار گرفته است. از این رو، هدف این پژوهش طراحی الگوی مشارکت عمومی در خطمشی‌گذاری با رویکرد چند روشی است. پژوهش حاضر شامل دو مرحله است؛ در مرحله اول از روش کیفی مطالعه موردی استفاده می‌شود. برای این منظور کشور سوئیس به عنوان کشوری که تاریخچه طولانی در به‌کارگیری سازوکارهای مشارکت مستقیم دارد به عنوان نمونه انتخاب و مورد مطالعه عمیق قرار گرفت. نتایج به‌دست‌آمده از این مرحله وارد مرحله دوم پژوهش شد که از نظریه داده بنیاد برای طراحی الگوی مشارکت عمومی در خطمشی‌گذاری استفاده شد. بر اساس الگوی پژوهش، پدیده‌محوری، مشارکت عمومی در خطمشی‌گذاری است و شرایط علی که موجب ایجاد مفهوم مشارکت عمومی در خطمشی‌گذاری می‌شود از سه مقوله عوامل ساختاری، اقتصادی و رفتاری تشکیل شده است. شرایط زمینه‌ای دربرگیرنده دو مقوله میزان باز بودن فضای سیاسی و سطح فناوری است. شرایط مداخله‌گر از دو مقوله اراده سیاست‌مداران برای مشارکت و تقاضای عمومی برای مشارکت تشکیل شده است. راهبردها دربرگیرنده سازوکارهای مشارکت عمومی، مرحله و سطح خطمشی‌گذاری، نوع خطمشی و نحوه تعادل بین دیدگاه نخبگان و عامه مردم است. درنهایت، پیامدها، مشروعیت دموکراتیک دولت را ارتقا می‌دهد، نقش مهم مردم به رسمیت شناخته می‌شود و اعتماد عمومی را افزایش می‌دهد. فرهنگ سیاسی مشارکت مستقیم یک فرایند یادگیری جمعی است که برای توسعه نیاز به زمان و همچنین امکان‌هایی برای اصلاح خطاها دارد.

## کلیدواژه‌ها:

خطمشی‌گذاری،  
مشارکت عمومی،  
رویکرد چند روشی

\* نویسنده مسئول:

دکتر وجه‌الله قربانی‌زاده

نشانی: تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده مدیریت و حسابداری، گروه مدیریت دولتی.

پست الکترونیکی: vghorbanizadeh@gmail.com

## مقدمه

خطمشی‌هایی که بر زندگی آن‌ها به طور مستقیم تأثیر می‌گذارد، در نظر گرفته شود.

در بسیاری از نظام‌های نمایندگی این اجماع وجود دارد که فراتر از فرصت‌های گاه‌گاهی برای رأی‌دهی، باید به شهروندان اجازه داده شود - و در واقع، تشویق شوند- تا در تصمیماتی که بر آن‌ها اثر می‌گذارد مشارکت کنند (ایانلو و همکاران، ۲۰۱۹: ۲۱).

در ایران نیز به‌تازگی موضوع مشارکت مستقیم مردم در خطمشی‌گذاری مطرح شده است، به‌گونه‌ای که اگر تعداد پانصد هزار نفر از واجدین شرایط شرکت در انتخابات مجلس مسئله‌ای را تقاضا کنند، در رابطه با آن قانون‌گذاری صورت گیرد (خبرگزاری مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷).

با این حال، در حال حاضر در ایران شهروندان، کمتر در فرایند خطمشی‌گذاری عمومی نقش ایفا می‌کنند. به طوری که این کمبود به عنوان یک چالش و ضرورت تعامل سیستم خطمشی‌گذاری عمومی با شهروندان و جامعه مدنی به عنوان یک نیاز اساسی مطرح شده است (رودساز و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۲) و نیازمند پژوهش است.

علی‌رغم بحث‌های دانشگاهی زیادی که در این زمینه وجود دارد، پژوهش خاصی پیرامون الگوسازی مشارکت عمومی در خطمشی‌گذاری عمومی صورت نگرفته است. از این رو، هدف این پژوهش ارائه الگویی برای مشارکت عمومی در خطمشی‌گذاری با رویکرد چندروشی است.

در راستای رسیدن به هدف فوق، ساماندهی مقاله بدین صورت است که در بخش نخست به بررسی ادبیات پژوهش تحت عنوان در بخش نخست به بررسی ادبیات پژوهش تحت عنوان خطمشی‌گذاری، مشارکت عمومی و پیشینه پژوهش پرداخته می‌شود.

منشأ مشارکت عمومی در فرایند تصمیم‌گیری‌های سیاسی به دموکراسی در یونان باستان برمی‌گردد و در قرن‌های بعد در معرض تغییرات مداوم بوده است (واگنر، وگت و کبست، ۲۰۱۶: ۲۳۵).

پس از یک مرحله بی‌توجهی در نیمه نخست قرن بیستم (واگنر، وگت و کبست، ۲۰۱۶: ۶۵) از دهه ۱۹۶۰ مشارکت عمومی به عنوان یک ابزار اساسی توسط دولت‌ها برای تقویت مشروعیت، اعتماد عمومی به دولت و بهبود شفافیت فرایندهای تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار گرفت (فدتووا، تیکسریا و آلولوس، ۲۰۱۴).

از حدود دو دهه پیش مشارکت عمومی وارد عصر جدیدی شده است. گسترش انقلابی فناوری اطلاعات و ارتباطات، راهی که افراد، سازمان‌ها و دولت‌ها برای برقراری ارتباط و تعامل استفاده می‌کردند را تغییر داده است. در این زمینه، به‌ویژه توسعه رسانه‌های اجتماعی با تبدیل اینترنت از سیستم ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعات ارتباطی منفعل و غیرفعال به یک بستر ارتباطی دو طرفه تعاملی، تأثیر بسزایی داشته است (ویرتز، دیسر و بینکوسکا، ۲۰۱۸: ۱).

این امر به گونه‌ای است که امروزه در نتیجه عدم رضایت از سازوکارهای سنتی نمایندگی سیاسی از یک طرف و مسائل پیچیده، موضوعات چندوجهی و محیط‌های تکه‌تکه شده (فازی و اسمیت، ۲۰۰۶) از طرف دیگر، در کنار ظرفیت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، علاقه به مشارکت شهروندان افزایش یافته است.

این موضوع به عنوان راهی برای عمیق‌تر کردن شیوه‌هایی که افراد عادی می‌توانند مشارکت مؤثر در

و عدم اطمینان‌های زیاد (روزنهد و مینگرز، ۲۰۰۱)؛ بنابراین هیچ دولتی نمی‌تواند ادعا کند که همه ابزارها یا قدرت لازم برای تأثیر بر دستاوردهای پیچیده خط‌مشی را دارا است؛ هرچند بازیگر مهمی در این زمینه قلمداد می‌شود (بورگن، ۲۰۰۷: ۲۰).

از این رو، می‌توان گفت که با پراکندگی قدرت مواجه هستیم و فناوری اطلاعات فرایند خط‌مشی عمومی را در دسترس مردم قرار داده است (ویرتز، دیسر و بینکوسکا، ۲۰۱۸).

پراکندگی قدرت همراه با ظرفیت فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات ریشه ظهور شبکه‌های خط‌مشی به عنوان زمینه‌ای جدید برای مباحثات خط‌مشی شده است. بدین ترتیب صحبت از حکمرانی بیش از پیش مطرح می‌شود (بورگن، ۲۰۰۷: ۲۰).

تحت مفهوم حکمرانی، حکومت که به طور سنتی مهم‌ترین نقش در حکمرانی، خط‌مشی و فرایند تصمیم‌گیری داشت، صرفاً یکی از بازیگران چندگانه به شمار می‌رود. به‌گونه‌ای که نویسندگان مختلف در مورد اینکه حکومت‌ها مانند گذشته نمی‌توانند در خط‌مشی‌گذاری‌ها تنها بازیگر باشند، بیان کرده‌اند: دولت‌ها نمی‌توانند مانند یک امدادگر غیبی از بالا و جدا از جامعه به هدایت آن بپردازند؛ دولت خود بخشی از سیستم اجتماعی و تنها یکی از فعالان بی‌شمار اجتماعی مؤثر در فرایندهای خط‌مشی عمومی است (هزلهورست، ۲۰۰۱: ۴). بورگن (۲۰۰۷) توضیحات پیش گفته را به صورت جدول شماره ۱ دسته بندی کرده است.

همچنان که در بالا مشاهده می‌شود، امروزه خط‌مشی‌ها نتیجه تعاملات تنگاتنگ هستند و شهروندان نیز باید مشارکت فعالی داشته باشند.

بخش دوم به روش‌شناسی اختصاص می‌یابد. بخش سوم به یافته‌ها در دو بخش مطالعه موردی و نظریه داده‌بنیاد پرداخته می‌شود و در نهایت، بخش آخر به بحث و نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

## ۱. ادبیات موضوع

### ۱.۱. خط‌مشی‌گذاری

به تدریج که بر وظایف دولت‌ها و حکومت‌ها افزوده شد و پیچیدگی‌های محیطی رو به فزونی نهاد، اهمیت مقوله خط‌مشی‌گذاری بیش از پیش روشن شد. تا جایی که امروزه بُعد جدیدی در مدیریت، به‌ویژه مدیریت دولتی مطرح است که می‌توان آن را بُعد خط‌مشی نام نهاد (قربانی‌زاده، شریف‌زاده و معتضدیان، ۱۳۹۴: ۶۸).

گرایش علوم خط‌مشی‌گذاری اولین بار توسط هارولد لاسول در کتابی که اواخر دهه ۱۹۴۰ و اوایل دهه ۱۹۵۰ به رشته تحریر درآورد، مطرح شد (دلئون و مارتل، ۲۰۰۶: ۳۱).

خط‌مشی، بیانگر مجموعه اقدام‌های به نسبت ثابت و هدفمندی است که توسط یک فرد یا مجموعه‌ای از بازیگران برای پرداختن به یک مسئله یا دغدغه دنبال می‌شود (اندرسون، ۲۰۱۴: ۷). از این رو، فرایندی است که طی آن مسئله‌ای در عرصه عمومی شناسایی، در یک نظام پویا بررسی شده و راه‌حلی برای آن اتخاذ و اجرا می‌شود (ساباتیه، ۱۹۹۱: ۱۴۶-۱۴۴).

امروزه دولت‌ها به طور پیوسته با مسائل سخت و پیچیده مواجه‌اند. محققان برای این مسائل، ویژگی‌هایی شناسایی کرده‌اند که می‌توان به این موارد اشاره کرد: کنشگران متعدد، دیدگاه‌های متعدد، علائق متضاد، متغیرهای مهم و غیرملموس

جدول ۱. به سوی نظریه جدید مدیریت دولتی: خطمشی عمومی (بورگن، ۲۰۰۷: ۲۱)

عوامل	از	به سمت
حداقل سیاست / اداره	جدایی	تامل
خطمشی	نتیجه فرایند تصمیم‌گیری سیاسی	نتیجه تعاملات تنگاتنگ
نقش شهروندان	انطباق	درگیر شدن (مشارکت)
نقش حکومت	قانون‌گذاری	مشورت

## ۲.۰۱. مشارکت عمومی

سوی صاحب‌نظران ارائه شده است که روابط بین شهروندان و مقامات رسمی دولتی را ترسیم می‌کند. همه این مدل‌ها به مردم کمک می‌کنند تا فرایند مشارکت عمومی و چگونگی تعامل بین مردم و مقامات را بهتر بشناسند (لیو، ۲۰۱۱: ۳۰).

در ادبیات نظری اولین و مرجع‌ترین مدل، مدل نردبان مشارکت آرنستین<sup>۱</sup> است. مدل آرنستین درجات توانمندی شهروندان را مطابق با سطوح مختلف مشارکت توصیف می‌کند. او مشارکت را در سه نوع مشارکت حداکثری، مشارکت حداقلی و عدم مشارکت طبقه‌بندی می‌کند و برای هر یک از آن‌ها انواعی را ذکر می‌کند.

در سطح نخست یک رابطه دوطرفه بین دولت و شهروندان وجود دارد. در سطح دوم این رابطه به تعاملی یک‌طرفه تبدیل می‌شود و نهایتاً در سطح آخر هیچ‌گونه تعاملی وجود ندارد. از زمان ارائه مدل آرنستین مدل‌های مختلفی ارائه شده است که به نوعی اقتباس از آن هستند.

مشارکت عمومی به دو دسته مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شود. در اینجا بر اشکال مستقیم مشارکت تمرکز می‌شود که در آن

مشارکت عمومی تاریخچه طولانی دارد. بسیاری از محققان ادعا می‌کنند که منشأ مشارکت مردمی به آتن بازمی‌گردد. اگرچه اسناد ثبت‌شده تاریخی کمیاب است، اما برخی شواهد نشان‌دهنده این است که مؤسسات دموکراتیک غیرمنسجم حکمرانی برای قرن‌ها، حتی هزاره‌ها قبل از تجربه آتن وجود داشته است (نباتچی و لیقینگر، ۲۰۱۷: ۱۴).

با این حال، اولین سند ضبط‌شده از مشارکت مستقیم شهروندان، از دولت شهرهای یونان به دست آمده است. پس از این دوران، مشارکت عمومی را می‌توان در ایالات متحده آمریکا پس از استقلال مشاهده کرد. هرچند در سطح فدرال مشارکت مستقیم وجود ندارد (رابرتز، ۲۰۰۴: ۳۲۰).

تعریف مشارکت عمومی یک چالش است. با این حال، می‌توان گفت: مشارکت عمومی یک واژه چترگونه است و فعالیت‌هایی را تشریح می‌کند که به وسیله آن مردم نگرانی‌ها، نیازها، منافع و ارزش‌هایشان را در تصمیمات و اقدامات مربوط به موضوعات و مسائل عمومی می‌گنجانند (نباتچی و لیقینگر، ۲۰۱۷: ۱۴).

در زمینه مشارکت عمومی مدل‌های مختلفی از

1. Arnstein

موجب ضرورت یافتن توسعه مشارکت الکترونیک در کشور شده است.

همچنین توسعه مشارکت الکترونیک در ایران شامل توسعه سه مؤلفه خط‌مشی مشارکت الکترونیک، سیستم مشارکت الکترونیک و چرخه مشارکت الکترونیک است که در صورت به‌کارگیری راهبرد اصلی پذیرش و گفتمان‌سازی ملی در بستر اجتماعی، سیاسی و فناورانه داخلی کشور و با در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی و فنی در طراحی و پیاده‌سازی می‌تواند منجر به ظهور پیامدهای جامعه مشارکت‌جو و حکمرانی مشارکتی شود.

اهم نوآوری پژوهش پیشرو، ارائه تحلیلی جامع (در نظر گرفتن متغیرهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژی، زیست‌محیطی و حقوقی) از موضوع مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری با یک رویکرد چندروشی است.

## ۲. روش‌شناسی پژوهش

روش‌شناسی را می‌توان منطبق کار پژوهش تعریف کرد که دربرگیرنده فنون، شیوه‌های نمونه‌گیری، نوع مواجهه و تعامل با داده‌ها و تحلیل آن‌ها با توجه به پارادایم مورد نظر پژوهشگر تلقی کرد (صادقی فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۴: ۶۳).

روش پژوهش حاضر، چندروشی<sup>۲</sup> است که شامل دو طیف مطالعه کیفی و کیفی با رویکرد متوالی تبدیلی<sup>۳</sup> است. در بخش اول از روش تحقیق کیفی مطالعه موردی و در بخش دوم از روش تحقیق کیفی نظریه داده بنیاد استفاده شده است؛ بنابراین پژوهش از حیث هدف، ذیل تحقیقات توصیفی قرار می‌گیرد

شهروندان به صورت شخصی مشارکت می‌کنند و به طور فعالانه‌ای در تأمین ورودی، تصمیم‌گیری و حل مسئله دخالت دارند (نباتچی و لیقینگر، ۲۰۱۷).

مشارکت مستقیم سازوکارهای چندی دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: فراندوم، ابتکارات، فراخوان، جلسات عمومی، طرفداری و گروه‌های ذینفع قوی، نظرسنجی‌ها و گروه‌های کانونی، کارگاه‌ها، اجلاس‌ها، کمیته مشورتی شهروندان و تسهیل‌گری گروهی (باس، ردهورن و گو، ۲۰۱۴: ۱۴).

## ۳.۱. پیشینه پژوهش

در زمینه مشارکت عمومی پژوهش‌های زیادی در رشته‌های مختلف (جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، برنامه‌ریزی شهری و...) انجام شده است. با این حال، در زمینه ارائه الگوی مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری از جمله، مرتبط‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده، می‌توان به این موارد اشاره کرد: «تبیین الگوی بومی توسعه مشارکت الکترونیک در سیاست‌گذاری ایران» (رودساز و همکاران، ۱۳۹۷)، «طراحی مدل مشارکت شهروندان در نظارت عمومی» (رجبی‌فرد و دانش‌فرد، ۱۳۹۳) و «الگوی مشارکت شهروندی در مدیریت دولتی مبتنی بر تعالیم نهج‌البلاغه» (خان‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۳).

از میان پژوهش‌های فوق، پژوهش رودساز و همکاران ارتباط زیادی با پژوهش حاضر دارد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد: شرایط موجود سیستم سیاست‌گذاری کشور و الزامات داخلی و خارجی از یکسو و ظهور ابزارهای نوین مشارکت الکترونیک و تغییر پارادایم‌های مدیریت و مطالبات جدید شهروندان از سوی دیگر به عنوان شرایط علی

2. Multi-method  
3. Sequential Transformative Strategy

داده‌ها نظیر مصاحبه، پرسش‌نامه، مشاهده و اسناد و مدارک.

هارتلی نیز معتقد است که برای انجام مطالعه موردی شش مرحله باید طی شود: (۱) انتخاب مورد مطالعه (۲) دسترسی به محیط مطالعه (۳) جمع‌آوری نظام‌یافته داده‌ها (۴) مدیریت گردآوری داده‌ها (۵) تحلیل داده‌ها (۶) ترک میدان مورد مطالعه.

در این پژوهش مراحل مطالعه موردی هارتلی مبنای قرار داده می‌شود.

انتخاب مورد مطالعه و دسترسی به آن: در این مرحله، موردی برای مطالعه انتخاب می‌شود که متناسب با هدف پژوهشگر باشد و با بررسی آن بتوان به سؤال یا سؤال‌های پژوهش پاسخ داد (هارتلی، ۲۰۰۴).

دسترسی به مورد مطالعه به مهارت‌های اجتماعی بستگی خواهد داشت و نیازمند چانه‌زنی، تعهدات و کسب پشتیبانی افراد در زمینه مورد مطالعه است.

همچنان که در مقدمه بیان شد، امروزه به دلیل جریانات چندگانه، عدم رضایت از سازوکارهای سنتی نمایندگی سیاسی، مسائل پیچیده، موضوعات چندوجهی و محیط‌های تکه‌تکه شده، در کنار ظرفیت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات باعث شده است که موضوع مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری به‌شدت مورد توجه قرار گیرد.

در ایران نیز به تازگی موضوع مشارکت مستقیم مردم در خط‌مشی‌گذاری مطرح شده است. در این مسیر، استفاده از تجربیات بین‌المللی بسیار کمک‌کننده خواهد بود و یکی از کشورهای پیشرو در این زمینه، کشور سوئیس است.

آلفرد کولز در کتاب خود پیرامون قانون اساسی

و از نظر نتایج در زمره تحقیقات کاربردی است و به لحاظ نوع داده، تحقیق چندروشی به شمار می‌رود.

در رویکرد متوالی تبدیلی از یک چارچوب نظری مشخص استفاده می‌شود که معمولاً در بیان هدف و سؤال پژوهش بیان می‌شود. در این طرح ممکن است ابتدا داده‌های روش کیفی اول و سپس داده‌های روش کیفی دوم جمع‌آوری یا تحلیل شوند یا برعکس، یعنی مراحل روش‌های تحقیق کیفی یا کمی، بر اساس نیاز و ترجیح پژوهشگران می‌توانند جابه‌جا شوند.

اولویت ممکن است با هریک از مراحل باشد و در برخی موارد هم اولویت یکسان داشته باشند. این طرح برای حمایت از دیدگاه‌های متنوع و متفاوت، حمایت از مشارکت‌کنندگان پژوهش، درک بهتر از پدیده مورد مطالعه - که ممکن است در نتیجه مطالعه مفهوم پدیده تغییر کند - مناسب است (کرسول، ۲۰۱۳). در ادامه به بررسی یافته‌های پژوهش در قالب این دو بخش پرداخته می‌شود:

## ۳. یافته‌های پژوهش

### ۱.۳. مرحله اول: مطالعه موردی

روش‌شناسی مطالعه موردی، یک رویکرد پژوهشی جامع است که ریشه در علوم اجتماعی و سلامت دارد و به طور فزاینده‌ای به عنوان یک پژوهش کیفی استفاده می‌شود (هرسگواک، کرنوت و استنلی، ۲۰۲۰: ۱).

بین، صاحب‌نظر برجسته پژوهش موردی معتقد است که تنها پژوهش‌هایی می‌توانند مطالعه موردی نامیده شوند که در طراحی آن‌ها گام‌های زیر در نظر گرفته شده باشد: (۱) انتخاب مورد (۲) تعیین زمان نمونه‌گیری (۳) انتخاب رویه‌های گردآوری

داشت.

انتخاب یک چارچوب نظری اولیه: بر اساس عمق و گستردگی مبانی نظری، تمرکز اولیه مطالعه موردی می‌تواند کاملاً بر یک مبانی نظری مشخص یا بسیار انعطاف‌پذیر باشد.

پژوهشگران معتقدند که باید ساختاری وجود داشته باشد تا پژوهشگر را از غرق شدن در داده‌ها برحذر دارد. برای این منظور، در ابتدای دوره فرصت مطالعاتی، طی جلساتی که با استادان دانشکده علوم انسانی برگزار شد، کتاب‌های زیر به عنوان مرجع در زمینه شناخت سیستم سیاسی سوئیس معرفی شدند:

«قانون اساسی سوئیس در یک زمینه مقایسه‌ای» (هالر، ۲۰۱۶)، «راهنمای سیاست سوئیس» (کلوتی و همکاران، ۲۰۰۷)، «سیاست سوئیس: استمرار و تغییر در دموکراسی تفاهمی» (کریسی و ترشل، ۲۰۰۸)، «دموکراسی سوئیس: راه‌حل‌های ممکن برای تعارضات در جوامع چند فرهنگی» (لیندر، ۲۰۱۱) و «فدرالیسم سوئیس: ارائه یک مدل فدرال» (وتر، ۲۰۱۸).

پس از مطالعه کتب معرفی شده و به دست آوردن دیدگاه اولیه در زمینه ساختار سیاسی سوئیس، به مراحل بعدی پرداخته شد.

گردآوری نظام‌یافته داده‌ها تحلیل داده‌ها: در مطالعه موردی به نوعی از بررسی مستندات، مصاحبه، مشاهده و حتی پرسش‌نامه استفاده می‌شود. البته روش‌های گردآوری داده‌ها نیز به محدودیت‌های زمانی، منابع مالی و دسترسی بستگی خواهد داشت (یین، ۲۰۱۴).

رویکردهای مختلفی برای تحلیل داده‌ها وجود

سوئیس ثابت کرده است که مؤسسات دموکراتیک، به صورت مستقیم از تئوری‌های انقلاب فرانسه متأثر شده‌اند. زمانی که در ۱۸۳۱ کانتون‌های ترقی‌خواه شروع به تأسیس دموکراسی کردند، آن‌ها ذیل شعار «حاکمیت مردم» بودند و چارچوب قانون اساسی برای تقسیم قدرت و انتخاب آزاد نمایندگان فراهم شد (کوباچ، ۲۰۰۷: ۴).

نیروهای دموکراتیک خواستار دموکراسی، قانون‌گذاری به وسیله مردم و خود حکمرانی بودند. برگزاری رفراندوم، کنترل مستقیم پارلمان با هدف تضمین اینکه مردم آخرین حرف را در تصمیمات می‌زنند، برای شهروندان این امکان را فراهم می‌کند که ایده‌های خودشان را در قانون‌گذاری داشته باشند.

از این رو، رفراندوم و ابتکار (به عنوان سازوکارهای دموکراسی مستقیم)، نخست در کانتون‌ها معرفی شد و بعدها در سطح فدراسیون. زمانی که رفراندوم قانونی و ابتکار برای بازنگری جزئی قانون اساسی در ۱۸۷۴ و ۱۸۹۱ در سطح فدرال معرفی شد، انگیزه دیگری برای خواستاران دموکراسی مستقیم بود؛ جلوگیری از اینکه قدرت سیاسی و اقتصادی در دستان یکسانی متمرکز شود (کریسی و ترشل، ۲۰۰۸: ۵۶). امروزه سوئیس از سازوکارهای مشارکت مستقیم در هر سه سطح فدرال، کانتونی و محلی استفاده می‌کند و باعث به وجود آمدن نوعی دموکراسی مستقیم شده است که از آن به عنوان خانه دموکراسی مستقیم یاد می‌شود (لیندر، ۲۰۱۱).

از این رو، کشور سوئیس به عنوان مطالعه موردی انتخاب شد و محقق به مدت شش ماه (از آوریل ۲۰۱۹ تا اکتبر ۲۰۱۹) در قالب فرصت مطالعاتی دوره دکتری در دانشگاه فربورگ سوئیس<sup>۴</sup> حضور

4. Fribourg University



زندگی واقعی و تأمل بر آنچه مردم می‌گویند، بهتر موفق می‌شود. از سویی، می‌توان روش‌های کیفی را برای کشف عرصه‌هایی از زندگی که از آن‌ها چیزی نمی‌دانیم یا بسیار می‌دانیم، اما می‌خواهیم فهم تازه‌ای از آن‌ها به دست بیاوریم، به کار برد.

محققی که قصد بررسی تجارب افراد به منظور خلق نظریه را دارد، می‌تواند از روش داده‌بنیاد به خوبی بهره‌مند شود (کرسول، ۲۰۱۲: ۲۰).

به طور کلی سه رهیافت اصلی در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد وجود دارد که با عنوان رهیافت نظام‌مند، ظاهرشونده و ساخت‌گرایانه مشهور هستند. در این پژوهش از بین سه رویکرد متداول در نظریه داده‌بنیاد، از رهیافت نظام‌مند استراوس و کوربین<sup>۵</sup> استفاده می‌شود.

در این مرحله برای به دست آوردن سایر عوامل مؤثر بر مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری به مصاحبه با پانزده صاحب‌نظر در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی فرهنگی، تکنولوژی، زیست‌محیطی و حقوقی با روش نمونه‌گیری هدفمند پرداخته شد.

مبنای انتخاب خبرگان پژوهش، شناخته‌شده بودن در حوزه علمی خود یا داشتن حداقل پنج سال سابقه اجرایی در آن حوزه بوده است. همچنین نوع مصاحبه نیمه ساختاریافته بوده است. بدین صورت که ابتدا موضوع پژوهش معرفی و سپس این سؤال مطرح می‌شد که از نظر آن‌ها عوامل مؤثر بر مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری کدامند؟

همچنین به منظور جهت دادن به مصاحبه از کدهای استخراج‌شده از مرحله قبل نیز استفاده می‌شد؛ بدین صورت که این کدها در اختیار آن‌ها قرار

دارد که از بین آن‌ها، رویکرد کدگذاری برای تحلیل داده‌ها در این پژوهش برگزیده شده است.

استراوس و کوربین (۱۳۹۰: ۶۸-۶۵) کدگذاری را نوعی تحلیل عمیق می‌دانند که در آن داده‌ها کلمه به کلمه بررسی می‌شوند و در نهایت، کدها از لابه‌لای واژه‌ها یا عبارات استخراج می‌شوند. در این پژوهش از کدگذاری برای شکل‌گیری مفاهیم استفاده شده و در پی آن چارچوب «مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری» شکل گرفته است.

برای گردآوری داده‌ها از بررسی مستندات (کتب و مقالات موجود در کتابخانه دانشگاه فریبورگ)، مصاحبه با چهار تن از استادان دانشکده علوم انسانی، مشاهده پارلمان کانتونی شهر فریبورگ و فرایندهای انتخاباتی استفاده شد. در جدول شماره ۲، متون استفاده شده و مصاحبه‌های صورت گرفته به همراه کدهای احصاشده ارائه شده است.

حال بر اساس تجربه سوئیس، عوامل مؤثر بر مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری در ایران کدام هستند؟ مدل نهایی بر اساس کدهای شناسایی شده چیست؟ برای پاسخ به این سؤالات از روش نظریه داده‌بنیاد استفاده می‌شود.

## ۲.۳. مرحله دوم: نظریه داده‌بنیاد

هدف اصلی تحقیق، تعیین‌کننده نوع روشی است که محقق می‌تواند بر اساس آن به شکل مطلوب‌تری به پاسخ سؤال دست یابد. هرگاه محقق در نظر داشته باشد تجارب و دیدگاه‌های افراد را به منظور صورت‌بندی یک نظریه مورد کاوش قرار دهد، روش داده‌بنیاد، روش مناسبی خواهد بود.

محققی که می‌کوشد معنا یا ماهیت تجربه افراد درگیر با مسائلی خاص را دریابد با ورود به صحنه

5. Strauss & Corbin

جدول ۲. مشارکت عمومی در ختم‌شی‌گذاری کشور سوئیس

کد اولیه	متن مصاحبه / پیشنهاد پژوهش
اعتماد عمومی ساختار سیاسی	دموکراسی، نمایندگی نیازمند اعتماد به نخبگان پارلمان و اعتماد به اینکه اراده مجلس دربرگیرنده ترجیح اکثریت مردم است را دربرمی‌گیرد. در سوئیس عدم اعتماد به ایده «دولت برای مردم» منجر به ایده متفاوت «دولت از طریق مردم» شد (لیندر، ۲۰۱۱).
خواسته عمومی برای مشارکت اراده سیاستمداران برای مشارکت‌دهی ارتباط نخبگان و جامعه	سیستم دموکراسی مستقیم در سوئیس یک حرکت پایین به بالاست. خواسته عمومی برای اینکه مردم آخرین حرف را در ختم‌شی‌گذاری بزنند. امروزه نیز سیستمی وجود دارد که تقریباً هیچ‌کس منتقد آن نیست: حق سیاسی مردم و مؤسسات دموکراسی مستقیم. به گونه‌ای که این مؤسسات باعث اتصال مردم و نخبگان سیاسی می‌شوند (کریسی و ترشل، ۲۰۰۸).
آموزش درآمد ویژگی‌های جمعیت‌شناختی وابستگی حزبی منافع سیاسی	در سوئیس، افراد آموزش‌دیده - که درآمد بالایی دارند- نسبت به طبقه کارگر و افراد کمتر آموزش‌دیده احتمال مشارکت بیشتری دارند. در کنار آموزش و درآمد، سایر ویژگی‌های اجتماعی جمعیت‌شناختی وجود دارد که بر مشارکت سیاسی تأثیر می‌گذارد. جوانان، زنان و افراد مجرد یا جدانشده کمتر از دیگران مشارکت می‌کنند. به علاوه، برخی ویژگی‌های سیاسی تفاوت ایجاد می‌کنند: افراد بدون وابستگی حزبی، بدون اعتماد به مقامات کمتر مشارکت می‌کنند و تنها عامل بسیار مهم که تعیین‌کننده مشارکت است، منافع سیاسی است (لیندر، ۲۰۱۱).
ساده بودن رویه‌های دموکراسی مستقیم	طبقه متوسط در سوئیس مشارکت بالایی دارند و مهم‌ترین کاستی دموکراسی مستقیم را آشکار می‌کند که متکی بر مشارکت نابرابر طبقات اجتماعی است. دموکراسی مستقیم، اگر رویه‌ها و موضوعاتش پیچیده شود به «دموکراسی طبقه متوسط» تبدیل می‌شود. برای اجتناب از آن باید رویه‌های دموکراسی مستقیم و تدوین موضوعات پیشنهادی برای رأی‌گیری ساده باشد (متن مصاحبه)
سازوکارهای مشارکت رفراندم ابتکارات مردمی	از بین سازوکارهای مشارکت مستقیم، سوئیس از دو سازوکار ابتکارات مردمی و رفراندوم استفاده می‌کند (مصاحبه)
فرهنگ ساختار سیاسی	کشورهای دیگر که خواهان استفاده از سازوکارهای مشارکت مستقیم هستند، باید متناسب با فرهنگ و ساختار سیاسی خود سازوکار مناسب را انتخاب کنند (مصاحبه)
مشارکت در مرحله تدوین ختم‌شی‌ها	اگر ختم‌شی‌گذاری عمومی را به سه مرحله اصلی تدوین، اجرا و ارزیابی تقسیم کنیم، در سوئیس بیشترین تمرکز در مرحله تدوین ختم‌شی‌ها است (وتر، ۲۰۱۸) و ایده «اگر یک ختم‌شی خوب تدوین شود، احتمال اجرا بالا می‌رود» را به اثبات می‌رساند.
تمامی ختم‌شی‌ها سیاست خارجی	با نگاه به لیست رأی‌گیری‌های فدرال می‌توان گفت: در عمل هیچ مسئله‌ای وجود ندارد که موضوع رفراندوم و ابتکار نبوده باشد. این نکته نشان‌دهنده این است که مردم می‌توانند انتخاب‌های عقلایی داشته باشند و در عین حال ثبات سیاسی نیز حفظ شود. با این حال، در امور خارجی ممکن است ریسک داشته باشد (کریسی و ترشل، ۲۰۰۸).
مشارکت از سطح پایین	بر اساس تجربه سوئیس، مشارکت مستقیم امکان به‌کارگیری در هر سه سطح (ملی، کانتونی و محلی) را دارد. هرچند نخست در سطوح پایین مورد استفاده قرار گرفت و سپس در سطح فدرال معرفی شد (مصاحبه)

کد اولیه	متن مصاحبه / پیشینه پژوهش
دانش شخصی اعتماد تبلیغات رسانه‌ها احزاب سیاسی	مشارکت شهروندان حاصل دانش شخصی، اعتماد و تبلیغات است. بدین معنا که در مورد موضوعاتی که شهروندان دانش و تجربه دست اول دارند، به دانش شخصی خود اعتماد می‌کنند و در موضوعات پیچیده به احزاب و نخبگان سیاسی اعتماد می‌کنند و در عین حال، تبلیغات نیز به ذهن آن‌ها شکل می‌دهد. از این رو، وجود احزاب قوی و پاسخگو بسیار مهم است؛ در غیر این صورت به یکی از نقاط ضعف مشارکت مستقیم تبدیل می‌شود (کلوتی و همکاران، ۲۰۰۷).
فرهنگ گفت‌وگو باهمیت بودن نقش نخبگان	به طور کلی، نقش نخبگان سیاسی در دموکراسی شبه‌مستقیم سوئیس نیز بسیار مهم است و شکل‌گیری ائتلاف بین نخبگان سیاسی عامل تعیین‌کننده خروجی است (مصاحبه)

### 1. Government for the People

### 2. Government Through the People

### 3. Middle-class Democracy

از نظر لانگتن، مشارکت شهروندی شامل چهار نوع رفتار می‌شود: (۱) اقدام شهروندی از قبیل سخنرانی‌ها و تبلیغات، (۲) درگیر ساختن شهروندی از قبیل دادرسی، استماع شهروندی، تحقیقات و پیمایش شهروندی، (۳) مشارکت‌گزینشی از قبیل رأی‌گیری و رقابت‌های کاندیداهای سیاسی و (۴) مشارکت تعهدی از قبیل پرداخت مالیات و انجام وظیفه قضاتوی.

لانگتن مشارکت شهروندی را به عنوان اقدامی مبتکرانه و کنترل‌شده توسط دولت در جهت بهبود و پشتیبانی تصمیمات و برنامه‌ها یا خدمات تعریف می‌کند (لانگتن، ۱۹۷۸).

شرایط علی که موجب ایجاد مفهوم مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری می‌شود، از سه مقوله عوامل ساختاری، اقتصادی و رفتاری تشکیل شده است:

از نظر ساختاری، با بالا رفتن از سطح مشارکت، نقش شهروندان به تدریج تغییر می‌کند. در مرحله عدم مشارکت، شهروندان همانند مشتریان تصمیمات دولت بدون حق شنیده شدن در نظر گرفته می‌شوند.

داده می‌شد و این سؤال مطرح می‌شد که آیا عوامل دیگری می‌تواند در این حوزه نقش بازی کند؟ سپس مصاحبه‌ها به دقت بررسی شدند و داده‌های آن به صورت سطر به سطر مورد بررسی، مفهوم‌پردازی و مقوله‌بندی قرار گرفتند. کدهای اولیه، مقوله‌های اصلی و فرعی در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

پدیده محوری که در این پژوهش، مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری است. مفهوم مشارکت عمومی، در ادبیات دانشگاهی، فاقد تعریف مشخصی است. صاحب‌نظران مختلف از زوایای مختلفی (حقوقی، جامعه‌شناسی و ...) به این اصطلاح نگریسته‌اند.

از نظر آرنستین، مشارکت عمومی توزیع قدرتی است که سبب می‌شود امکان مشارکت شهروندان محروم از مزایای اقتصادی و سیاسی ممکن شود و از مزایای جامعه بهره‌مند شوند (آرنستین، ۱۹۶۹).

از نظر شفریتز، مشارکت عمومی به معنای توانمندسازی افراد و گروه‌ها به همراه قدرت چانه‌زنی برای نشان دادن علایق و برنامه‌ریزی به سمت رسیدن به قدرت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و کنترل است (لیو، ۲۰۱۱: ۱۷).

جدول ۳. کدهای نهایی (از تجربه سوئیس و مصاحبه‌های انجام‌شده در ایران)

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	کدهای باز
سیاسی	میزان باز بودن فضای سیاسی	آزادی مطبوعات و رسانه‌ها تنوع جناح‌های سیاسی سمن‌ها سندیکا‌های کارگری جامعه مدنی انحصارگرایی
	اراده برای مشارکت	اراده رهبران سیاسی برای مشارکت اراده نهادهای مؤثر در مشارکت
اقتصادی	وضعیت معیشتی	درآمد ناخالص ملی توزیع درآمد در طبقات اجتماعی ارزش پول ملی اشتغال ملی
	رونق کسب‌وکار	زیرساخت‌های تسهیل‌گر کسب‌وکار صادرات و واردات کالا و خدمات تأمین مالی کسب‌وکار
	تحریم‌ها	تحریم‌های اقتصادی
	سرمایه اجتماعی	اعتماد عمومی قدرت یکپارچگی مردم
فرهنگی اجتماعی	فرهنگ ملی	فرهنگ گفت‌وگو نگرش‌های مذهبی تقاضای عمومی برای مشارکت اقتدارطلبی مردم هویت ملی سبک زندگی جهانی‌شدن تنوع قومیتی
	دانش و آگاهی مردم	سیستم آموزشی کشور نرخ باسوادی جهت‌گیری و ارتباط نخبگان با جامعه
	مختصات جمعیتی	توزیع سنی جمعیت شکاف نسل‌ها میزان جمعیت کشور

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	کدهای باز
تکنولوژی	سطح فناوری	سطح فناوری داخلی نسبت به متوسط جهانی روند استفاده از تجارت الکترونیک زیرساخت‌های آی تی دسترسی به اینترنت شکاف دیجیتال سواد دیجیتالی کارکردهای اجتماعی فضای مجازی اینترنت ملی فیلترینگ
زیست‌محیطی	جغرافیای طبیعی	وسعت کشور آب‌وهوا
حقوق قانونی	نوع حکومت	تفکیک قوا توزیع قدرت حاکمیت قانون ایدئولوژی حکومت
	سازوکارهای مشارکت	اعتراضات مردمی همه‌پرسی ابتکارات مردمی

شهروندان در طبقه‌بندی آرنستین، مشارکت فعال در طبقه‌بندی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، دخالت، همکاری و توانمندسازی در طبقه‌بندی انجمن بین‌المللی مشارکت عمومی<sup>۶</sup> شهروندان به عنوان عاملین فعال در فرایند تصمیم‌گیری در نظر گرفته می‌شوند که قدرت مدیریتی دارند و دارای رابطه دوطرفه پیشرفته دولت با شهروندان و شهروندان با دولت هستند. صدای شهروندان باید شنیده شود و در سیاست‌های دولت در نظر گرفته شود. مقایسه سطوح مشارکت در جدول شماره ۴ ارائه شده است

از نظر اقتصادی، همچنان که تجربه سوئیس نشان می‌دهد و در مصاحبه‌های داخل نیز تأیید شد، افراد آموزش‌دیده که درآمد بالایی دارند، احتمال بیشتری دارد که نسبت به طبقه کارگر و افراد کمتر آموزش‌دیده مشارکت کنند. از نظر رفتاری،

مکانیسم ارتباط در این مرحله محدود به کانال یک‌طرفه دولت به شهروندان<sup>۶</sup> است. مطابق با مرحله نمادگرایی (اطلاعات و مشاوره در طبقه‌بندی‌های سازمان همکاری و توسعه اقتصادی<sup>۷</sup> و انجمن بین‌المللی مشارکت عمومی<sup>۸</sup>) شهروندان یک نقش منفعلانه‌ای دارند، به طوری که آگاه می‌شوند و بدون هیچ‌گونه قدرت تصمیم‌گیری تحت مشاوره قرار می‌گیرند.

در اینجا بازخورد ضعیفی از شهروندان به دولت<sup>۹</sup> داده می‌شود که محدود به مسائل تعریف شده توسط دولت است. سرانجام، در آخرین مرحله (درجه قدرت

6. Government to Citizen (G2C)

7. OECD

8. IAP2

9. Citizen to Government (C2G)

جدول ۴. مقایسه سطوح مشارکت عمومی (آرنستین، ۱۹۶۹؛ سازمان همکاری توسعه اقتصادی، ۲۰۰۱ و انجمن بین‌المللی مشارکت عمومی، ۲۰۰۷)

آرنستین	سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	انجمن بین‌المللی مشارکت عمومی
درجه قدرت شهروندان	مشارکت فعال	توانمندسازی همکاری دخالت
درجه نمادگرایی	مشاوره اطلاعات	مشاوره اطلاعات
عدم مشارکت	-	-

عمومی در خط‌مشی‌گذاری می‌شود از دو مقوله میزان باز بودن فضای سیاسی و سطح فناوری تشکیل شده است.

همچنان که در تجربه سوئیس بیان شد: مشارکت شهروندان حاصل دانش شخصی، اعتماد و تبلیغات است. بدین معنا که در مورد موضوعاتی که شهروندان دانش و تجربه دست اولی دارند، به دانش شخصی خود اعتماد می‌کنند و در موضوعات پیچیده، به احزاب و نخبگان سیاسی اعتماد می‌کنند و در عین حال، تبلیغات نیز به ذهن آن‌ها شکل می‌دهد. از این رو، وجود احزاب قوی و پاسخگو بسیار مهم است؛ در غیر این صورت به یکی از نقاط ضعف مشارکت مستقیم تبدیل می‌شود.

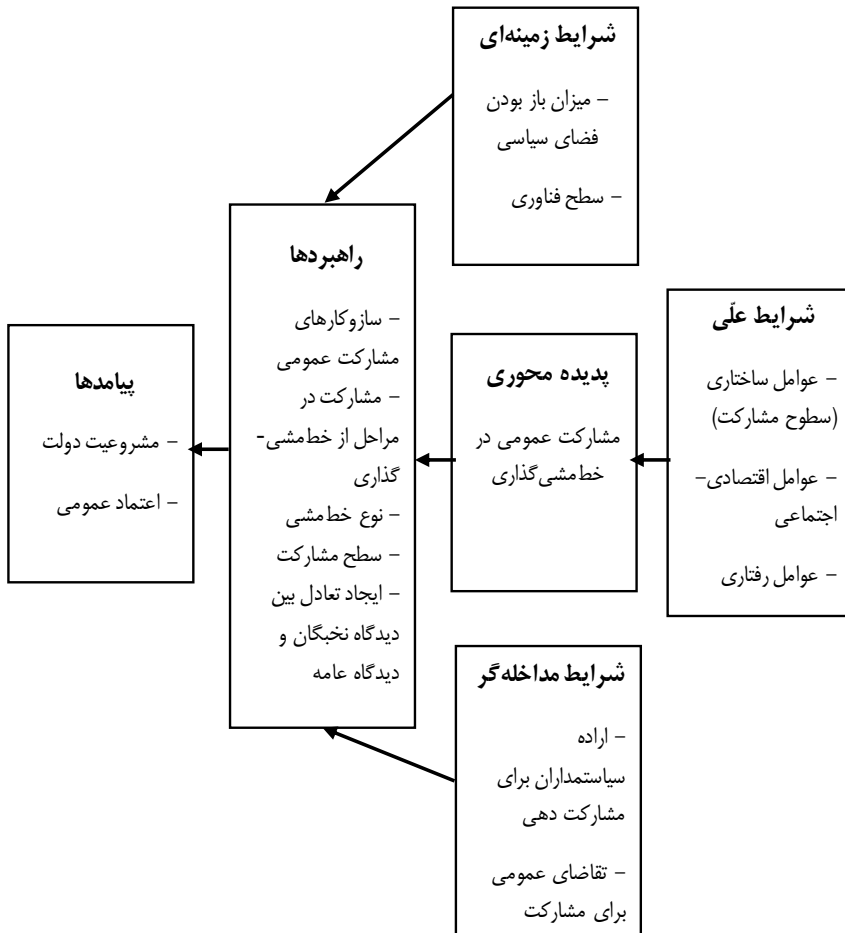
در سال‌های اخیر، تغییرات اجتماعی به طور قابل توجهی اهمیت مشارکت عمومی را افزایش داده و تحولات فناورانه فرصت‌های زیادی را برای مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری فراهم آورده است (واگنر و همکاران، ۲۰۱۶) و اساساً، فناوری اطلاعات است که در دنیای امروز موضوع مشارکت مستقیم شهروندان در خط‌مشی‌گذاری عمومی را مجدداً مطرح کرده است. در این پژوهش این موارد به عنوان عوامل زمینه‌ای در نظر گرفته شده‌اند.

شهروندان به سطح معینی از شایستگی، کارایی و اعتماد به دولت نیاز دارند. آن‌ها همچنین نیاز به داشتن مهارت‌های اجتماعی و فنی مناسب و اعتماد به نفس برای استفاده از چنین مهارت‌هایی دارند.

ملاحظات دیگر مربوط به توانایی شهروندان بر این تمرکز دارد که آیا شهروندان قادرند تا در صورت نیاز برای مشارکت زمان و پول هزینه کنند؟ کارهای علوم سیاسی که بر فعالیت‌های مدنی داوطلبانه متمرکز شده منجر به این شده است که محققان پیشنهاد کنند، ظرفیت شهروندان برای مشارکت مبتنی بر منابع شخصی خود (زمان، پول و مهارت‌های مدنی) است که نفوذ مشارکت سیاسی را تعیین می‌کند.

در مورد نگرانی‌های مربوط به ظرفیت، پیشنهاد شده است که شهروندان باید به انواع خاصی از شبکه‌های اجتماعی یا موقعیت‌هایی متصل شوند که فرصت‌های آسان برای مشارکت فراهم می‌کند. از دیگر پیش‌نیازهای مطرح شده از سوی صاحب‌نظران می‌توان به آموزش مربوط به شهروندی دموکراتیک، مطلع شدن در مورد مشکلات اجتماعی و یادگیری نحوه تبدیل شدن به یک شهروند فعال‌تر اشاره کرد (هافر و رن، ۲۰۱۶: ۲۰۹-۲۱۰).

شرایط زمینه‌ای که موجب ایجاد مفهوم مشارکت



### تصویر ۱. الگوی کیفی مشارکت عمومی در خط‌مشی گذاری

قانون‌گذاری بیشتر از قبل در نظر داشته باشند. نگرانی بالقوه آن‌ها در مورد از دست دادن یا تغییر در قدرت می‌تواند به عنوان یک نیروی پیشران برای اجتناب از تحولات آینده در این زمینه باشد.

اگر نمایندگان سیاسی به واقع از اینکه قدرت را از دست بدهند، بترسند؛ چنین ترسی می‌تواند منجر به اختلال قوی در پیشرفت مشارکت عمومی شود

شرایط مداخله‌گر که موجب ایجاد مفهوم مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری می‌شود، از دو مقوله اراده سیاست‌مداران برای مشارکت و تقاضای عمومی برای مشارکت تشکیل شده است.

امروزه نمایندگان سیاسی انتخابی با یک افزایش تقاضا برای فرصت‌های مشارکت روبه‌رو هستند. بدین معنا که آن‌ها باید اراده مردم را به‌ویژه در دوره

واگنر و همکاران، ۲۰۱۶: ۶۶). به دلیل اینکه کاملاً روشن نیست که چه تحول خاصی می‌تواند در حوزه مشارکت عمومی مورد انتظار باشد؛ بررسی چنین تحولاتی ضروری است.

همچنین بهتر است مشارکت مستقیم فرایندی پایین به بالا داشته باشد و به خواسته عمومی تبدیل شود، چراکه بدون تقاضای عمومی «تالار مشارکت» خالی خواهد ماند، حتی زمانی که دروازه‌های آن بسیار باز باشد (ملکی و بوتس، ۲۰۱۳: ۳۷۴).

راهبردها دربرگیرنده سؤالاتی است که در زمینه مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری ممکن است مطرح شود؛ از جمله اینکه از چه سازوکارهای مشارکت عمومی می‌توان استفاده کرد؟ مشارکت عمومی در کدام مرحله از خط‌مشی‌گذاری می‌تواند اتفاق بیفتد؟ مشارکت عمومی در چه سطحی (ملی، استانی، محلی) می‌تواند اتفاق بیفتد؟ مشارکت عمومی در چه نوع خط‌مشی‌هایی می‌تواند اتفاق بیفتد؟ و چگونه می‌توان بین دیدگاه نخبگان و دیدگاه عامه در فرایند خط‌مشی‌گذاری تعادل ایجاد کرد؟

مشارکت عمومی تکنیک‌های مختلفی دارد که محققان دسته‌بندی‌های مختلفی از آن ارائه داده‌اند. از بین سازوکارهای مشارکت مستقیم، در سطح پارلمان به طور معمول سازوکارهای رفراندوم، همه‌پرسی، ابتکاراتی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که امکان در نظر گرفتن همه صداها وجود داشته باشد.

بر اساس مراحل فرایند خط‌مشی‌گذاری، مشارکت‌کنندگان می‌توانند در تدوین خط‌مشی، اجرای خط‌مشی و ارزیابی خط‌مشی مشارکت کنند. بسیاری از محققان استدلال می‌کنند

که مشارکت‌کنندگان باید از آغاز فرایند خط‌مشی‌گذاری در نظر گرفته شوند تا مشارکت معناداری داشته باشند (نیوگ و همکاران، ۲۰۱۸).

با در نظر گرفتن مشارکت‌کنندگان از آغاز فرایند مشارکت، برای آن‌ها امکان‌پذیر است که بر تصمیمات تأثیر بگذارند و دولت می‌تواند دانش و تخصص محلی را جمع‌آوری کند و یادگیری اجتماعی را برانگیزاند (میز، در یسن و رانهار، ۲۰۱۴).

موضوع دیگری که در زمینه مشارکت عمومی وجود دارد این است که مشارکت‌کنندگان می‌توانند در چه خط‌مشی‌هایی مشارکت کنند. خط‌مشی‌های داخلی، خارجی، موضوعات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... آیا بایستی مشارکت را محدود به موضوع خاصی مانند موضوعات اقتصادی کرد یا اینکه شهروندان توانایی مشارکت در همه موضوعات را دارند؟

بر اساس تجربه کشور سوئیس، موضوع مشارکت بسیار مهم و مستقیم است (لیندر، ۲۰۱۱: ۹۷). همچنین اگر سطوح ملی و محلی را در نظر بگیریم، بهتر است مشارکت از سطح محلی آغاز شود.

نظریه دموکراتیک عمیقاً در مورد این سؤال که آیا شهروندان عادی قادرند به طور منطقی در مورد موضوعات سیاسی تصمیم بگیرند، تقسیم شده است (لیندر، ۲۰۱۱: ۱۲۰).

ژوزف شومپیتر در کتاب «سرمایه‌داری، سوسیالیسم و دموکراسی» از این دیدگاه که مشارکت شهروندان برای دموکراسی ضروری نیست و باید محدود به رأی‌دهی به رهبران شود، دفاع می‌کند. این دیدگاه کاملاً مخالف دیدگاه‌های ژان ژاک روسو است.



(دانایی فرد و اسلامی، ۱۳۹۰).

پس از مطالعه مبانی نظری موجود و مصاحبه با افراد صاحب‌نظر، مقوله‌های اصلی و فرعی مربوط به پدیده مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری احصا و الگوی نهایی در تصویر شماره ۱ نشان داده شده است.

#### ۴. بحث و نتیجه‌گیری

مسائل سخت و پیچیده‌ای که امروزه دولت‌ها به طور پیوسته با آن مواجه‌اند، از یک طرف و عدم رضایت از سازوکارهای سنتی نمایندگی سیاسی از طرف دیگر، در کنار ظرفیت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات باعث مطرح شدن موضوع مشارکت عمومی شده است.

از این رو، امروزه موضوع مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری به‌شدت مورد توجه کشورها، از جمله ایران قرار گرفته است. در این پژوهش سعی شد الگوی مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری با رویکرد چند روشی ارائه شود.

بدین صورت که در مرحله اول از روش مطالعه موردی استفاده شد و برای این منظور، کشور سوئیس به عنوان کشوری پیشرو در حوزه مشارکت مستقیم انتخاب شد و مورد مطالعه قرار گرفت و سپس بر اساس کدهای استخراج‌شده از این مرحله به ارائه الگوی مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری با کمک نظریه داده‌بنیاد پرداخته شد.

پدیده‌محوری، حادثه یا اتفاقی است که سلسله کنش / واکنش متقابل برای کنترل یا اداره کردن آن وجود دارد و به آن مربوط می‌شود. در این پژوهش پدیده‌محوری مورد مطالعه مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری است.

روسو در کتاب «قرارداد اجتماعی» این موضوع را مطرح می‌کند که مشارکت فردی شهروندان در تصمیم‌گیری سیاسی ضروری است. در دیدگاه او شهروندان از طریق مشارکت، شهروندان عمومی می‌شوند.

شومپتیر و روسو دو مکتب فکری کاملاً متفاوت در مورد نقش مشارکت در دموکراسی را نمایندگی می‌کنند. در دیدگاه اول، مشارکت یک نقش محدودی بازی می‌کند. در دیدگاه دوم، مشارکت شهروندان به‌منزله یک عنصر ضروری از دموکراسی است (میشل، ۲۰۰۶: ۳۲۴).

با این حال، پاسخ به این سؤال بستگی به این دارد که از چه سازوکار مشارکتی و در چه مرحله از خط‌مشی استفاده می‌کنیم؟

پیامدها: مشارکت عمومی، نه‌تنها منافی برای دولت دارد، بلکه مهم‌تر از آن مشروعیت دموکراتیک دولت را ارتقا می‌دهد. از دانش، مهارت‌ها و اشتیاق عموم در تصمیم‌گیری استفاده می‌شود و نقش مهم مردم به رسمیت شناخته می‌شود (مناف، محمد و لاتین، ۲۰۱۶: ۱).

مزیت مشابهی که شاید شهروندان از مشارکت به دست آورند، مبتنی بر دیدگاه یادگیری اجتماعی است. مشارکت، فرایندهای یادگیری اجتماعی را تقویت می‌کند و به شهروندان در ایجاد هویت شهروندی کمک می‌کند (رابرتز، ۲۰۰۴: ۳۳۰).

کدگذاری انتخابی (مرحله نظریه‌پردازی): در این مرحله نظریه‌پرداز، مقوله محوری را که سایر مقولات بر محور آن می‌گردند، به طور روشمند انتخاب کرده و با ارتباط دادن آن به سایر مقوله‌ها به نگارش نظریه اقدام می‌کند. این مقوله شرحی انتزاعی بر فرایندی ارائه می‌دهد که در پژوهش مطالعه شده است

از مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری عبارتند از: مشروعیت دولت و اعتماد عمومی.

نتایج این پژوهش از سوی پژوهش رودساز و همکاران نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد. در پژوهش رودساز و همکاران شرایط علی عبارتند از: شرایط موجود سیستم سیاست‌گذاری کشور، الزامات داخلی و خارجی، ظهور ابزارهای نوین مشارکت الکترونیک و تغییر پارادایم‌های مدیریت و مطالبات جدید شهروندان که در پژوهش حاضر در قالب عوامل ساختاری، اقتصادی اجتماعی و رفتاری بیان شدند.

شرایط زمینه‌ای در پژوهش رودساز و همکاران عبارتند از: توسعه روزافزون فناوری اطلاعات و ارتباطات و محیط سیاسی که در پژوهش حاضر در قالب سطح فناوری و باز بودن فضای سیاسی مطرح شدند.

شرایط مداخله‌گر در پژوهش رودساز و همکاران عبارتند از: پذیرش سیستم مشارکت الکترونیک و ملاحظات سیاسی که در پژوهش حاضر در قالب اراده سیاست‌مداران برای مشارکت‌دهی و تقاضای عمومی برای مشارکت مطرح شدند.

راهبردها در پژوهش رودساز و همکاران در قالب مفاهیم گفتمان‌سازی، بسترسازی و زمینه‌سازی ارائه شده است و در پژوهش حاضر در قالب یکسری سؤال مطرح شده‌اند که پاسخ به آن‌ها به نوعی گفتمان‌سازی است.

پیامدها در پژوهش رودساز و همکاران عبارتند از: حکمرانی مشارکتی و جامعه مشارکت‌جو و در پژوهش حاضر عبارتند از: مشروعیت دولت و ارتقای اعتماد عمومی.

به طور کلی، بر اساس الگوی پژوهش، پیشنهادهای

شرایط علی مجموعه‌ای از شرایط و وقایع است که بر مقوله‌محوری اثرگذار هستند. مقوله‌های عوامل ساختاری (سطوح مشارکت)، عوامل اقتصادی اجتماعی و عوامل رفتاری در این تحقیق به عنوان شرایط علی اثرگذار بر پدیده‌محوری شناسایی شدند.

شرایط زمینه‌ای، مجموعه شرایطی هستند که زمینه پدیده مورد نظر را فراهم می‌کنند و بر رفتارها و کنش‌ها تأثیر می‌گذارند. شرایط زمینه‌ای، مقوله‌محوری و نتایج حاصل از آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در این پژوهش، مقوله‌های میزان باز بودن فضای سیاسی و سطح فناوری به عنوان شرایط بستر تعریف شده‌اند. شرایط میانجی یا مداخله‌گر شرایط میانجی کلی و وسیعی است که بر چگونگی کنش / واکنش متقابل اثر می‌گذارند.

در پژوهش حاضر و بر اساس تحلیل محتوای مصاحبه‌ها، مقوله‌های اراده سیاست‌مداران برای مشارکت و تقاضای عمومی برای مشارکت به عنوان شرایط میانجی در نظر گرفته شده است.

راهبردهای مورد نظر در نظریه داده‌بنیاد، به ارائه راه‌حل‌هایی برای مواجهه با پدیده مورد نظر اشاره می‌کند که هدف آن اداره کردن و حساسیت نشان دادن به پدیده مورد مطالعه است.

در پژوهش حاضر، مقوله‌های سازوکارهای مشارکت عمومی در مراحل از خط‌مشی‌گذاری، نوع خط‌مشی، سطح مشارکت، ایجاد تعادل بین دیدگاه نخبگان و دیدگاه عامه به عنوان راهبردهایی برای دستیابی به مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری در نظر گرفته شده‌اند. پیامدها نتایجی هستند که از راهبردها و کنش‌های مربوط به مقوله‌محوری حاصل می‌شوند. در این تحقیق، پیامدهای ناشی

زیر برای ایران قابل ارائه است:

۱. اراده برای مشارکت (به عنوان شرایط مداخله‌گر) از اهمیت بالایی برخوردار است. از طرف سیاستمداران برای اینکه دروازه‌های مشارکت را باز کنند و از طرف مردم برای اینکه تمایل به عبور از این دروازه‌ها را داشته باشند.

همچنان که در شرایط مداخله‌گر توضیح داده شد، چنانچه مردم تمایل به مشارکت نداشته باشند، تالار مشارکت خالی خواهد ماند، حتی زمانی که تمامی دروازه‌های آن باز باشد.

از این رو، در زمینه مشارکت عمومی اولین سؤالی که به نظر می‌رسد باید بدان پاسخ داد، این است که آیا مردم تمایل به مشارکت دارند؟ برای پاسخ به این سؤال می‌توان از روش‌شناسی کیو<sup>۱۰</sup> بهره گرفت.

بدین صورت که دیدگاه گروه‌های مختلف مردم را دسته‌بندی کرد. با پاسخ به این سؤال، راه برای پاسخ به سؤالات بعدی هموار می‌شود. چنانچه مردم تمایل به مشارکت داشته باشند، می‌توان بررسی کرد که عوامل برانگیزاننده هر گروه برای مشارکت کدام هستند؟ و چنانچه مردم تمایل به مشارکت نداشته باشند، این سؤال در دستور کار قرار می‌گیرد که چگونه می‌توان مشارکت مردم را جلب کرد؟

۲. برای اینکه مشارکت عمومی معناداری اتفاق بیفتد، وجود شهروندان توانمند و آگاه به حقوق و تکالیف خود بسیار مهم است. همچنان که در شرایط زمینه‌ای توضیح داده شد، مشارکت شهروندان حاصل دانش شخصی، اعتماد و تبلیغات است.

بدین معنا که در مورد موضوعاتی که شهروندان دانش و تجربه دست اولی دارند، به دانش شخصی

خود اعتماد می‌کنند و در موضوعات پیچیده به احزاب و نخبگان سیاسی اعتماد می‌کنند و در عین حال، تبلیغات نیز به ذهن آن‌ها شکل می‌دهد.

از این رو، وجود احزاب، رسانه‌ها و جامعه مدنی قوی و پاسخگو بسیار مهم است و در غیر این صورت به یکی از نقاط ضعف مشارکت مستقیم تبدیل می‌شود (لیندر، ۲۰۰۷: ۱۰)؛ بنابراین تقویت هرچه بیشتر ابزارهای دموکراسی مهم است.

۳. از آنجا که اساساً فناوری اطلاعات است که در دنیای امروز موضوع مشارکت مستقیم شهروندان در خط‌مشی‌گذاری عمومی را مجدداً مطرح کرده است، وجود زیرساخت‌های قوی و فراگیر در تمام نقاط کشور بسیار مهم است.

همچنین ابزارهای دسترسی به اطلاعات باید به‌گونه‌ای باشد که هر قشر و نسلی با هر میزان از دانش و تحصیلات امکان دسترسی و استفاده آسان از آن را داشته باشد. در غیر این صورت، تنها عده محدودی امکان استفاده از آن را خواهند یافت و این نیز یکی دیگر از نقاط ضعف مشارکت مستقیم است.

در کنار سهولت دسترسی، اقداماتی چون تضمین امنیت اطلاعات کاربران، برگزاری دوره‌های آموزشی رایگان سواد دیجیتال و ایجاد «ایستگاه‌های دولت الکترونیک» در اماکن عمومی که در آن‌ها شهروندان با دسترسی به اینترنت رایگان پرسرعت بتوانند وارد سامانه‌های دولتی و حاکمیتی شده و نظرات و درخواست‌های خود را در این سامانه‌های ثبت نمایند (رودساز و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۲) می‌تواند در دستور کار قرار گیرد.

۴. برای موضوعاتی مانند مشارکت به نظر می‌رسد ابتدا باید وضعیت معیشتی مردم خوب باشد. منظور از وضعیت معیشتی این است که افراد شغل داشته

10. Q Methodology

عمومی استفاده شود؟ این سازوکار چگونه عمل خواهد کرد، برای چه موضوعاتی استفاده می‌شود و در نهایت، چگونه بین دیدگاه نخبگان و دیدگاه مردم در فرایند خط‌مشی‌گذاری تعادل ایجاد می‌شود؟

در پایان لازم به ذکر است همچنان که لیندر بیان می‌کند، فرهنگ سیاسی مشارکت مستقیم یک فرایند یادگیری جمعی است که برای توسعه نیاز به زمان و امکاناتی برای اصلاح خطاها دارد.

به هر حال، ممکن است اشتباه باشد که مشارکت بیشتر را به عنوان تنها راه بهبود دموکراسی در نظر بگیریم به این امید که دموکراسی مستقیم جواب همه مسائل حکمرانی را تأمین خواهد کرد. سایر ویژگی‌های یک خط‌مشی خوب، به‌ویژه مبنای علمی در دنیای پیچیده امروز بسیار مهم است و موضوع مشارکت مستقیم مردم شاید مبنایی برای در نظر گرفتن احساسات مردم باشد.

## ملاحظات اخلاقی

### پیروی از اصول اخلاق پژوهش

تمامی اصول اخلاقی در این مقاله رعایت شده است.

### حامی مالی

این تحقیق هیچ‌گونه کمک مالی از سازمان‌های تأمین مالی در بخش‌های عمومی، تجاری یا غیرانتفاعی دریافت نکرده است.

### مشارکت نویسندگان

تمامی نویسندگان در نگارش این مقاله به یک اندازه مشارکت داشته‌اند.

باشند تا بتوانند درآمد کسب کنند و درآمد بین اقشار جامعه به طور عادلانه‌ای توزیع شود، به‌گونه‌ای که دولت از نظر اقتصادی به مردم متکی باشد، زیرا دولتی که از نظر اقتصادی قوی باشد، به سختی زیر بار خواسته‌های مردم می‌رود و در برابر خواسته‌های آن‌ها مقاومت می‌کند.

۵. برای استفاده از ابزارهای مشارکت مستقیم در سطوح ملی، ساختار سیاسی و بافت فرهنگی بسیار تعیین‌کننده هستند. بهترین نظریه در این زمینه، نظریه لیندر است که بیان می‌کند هرچه در یک سیستم سیاسی رأی‌دهندگان در انتخابات نفوذ بالایی داشته باشند، نفوذ کمتری به مشارکت مستقیم می‌تواند اعطا شود و بالعکس (لیندر، ۲۰۱۱: ۱۵۳).

آنچه لیفارت آن را دموکراسی تفاهمی و اکثریتی می‌نامد، به‌گونه‌ای که در دموکراسی اکثریتی مشارکت مستقیم چندان معنایی ندارد، چراکه انتخابات را کم‌اهمیت می‌کند (لیندر، ۲۰۰۷: ۱۰).

از آنجا که، ساختار سیاسی ایران که به دموکراسی اکثریتی نزدیک‌تر است و همچنان که بیان شد، در دموکراسی‌های اکثریتی مشارکت مستقیم چندان معنادار نیست، بهتر است از سازوکارهای متناسب با آن استفاده شود.

در این زمینه، از کشور انگلستان به عنوان یک دموکراسی اکثریتی که از پنل شهروندی به عنوان سازوکار مشارکت مستقیم برای به دست آوردن دیدگاه شهروندان در مورد مشکلات عمومی استفاده می‌کند، می‌توان الگوبرداری کرد و تجربیات این کشور در مورد این موضوع را مورد مطالعه عمیق قرار داد.

۶. قواعد بازی مشارکت با هدف گفتمان‌سازی به خوبی تعیین شود. به عبارت دیگر، به این سؤالات پاسخ داده شود که از چه سازوکارهای مشارکت

## تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

## منابع فارسی

- استراوس، ا. ا. و کوربین، ج. م. (۱۳۹۰). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌های مبانی رویه‌ها و شیوه‌ها*. [ب. محمدی، ترجمه فارسی]. چاپ ۳. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- خان‌محمدی، ه.، واعظی، ر.، و دلشاد تهرانی، م. (۱۳۹۳). الگوی مشارکت شهروندی در مدیریت دولتی مبتنی بر تعالیم نهج‌البلاغه. *مدیریت سازمان‌های دولتی*، ۲(۳)، ۲۵-۴۸.
- دانایی‌فرد، ح.، و اسلامی، آ. (۱۳۹۰). *ساخت نظریه بی‌تفاوتی سازمانی: کاربرد استراتژی پژوهشی نظریه داده بنیاد در عمل*. تهران: دانشگاه امام صادق.
- رجیبی فرجاد، ح.، و دانش فرد، ک. ا. (۱۳۹۳). طراحی مدل مشارکت شهروندان در نظارت عمومی (با تأکید بر نقش مشارکت شهروندان در کاهش جرایم). *پژوهش‌نامه نظم و امنیت/انتظامی*، ۷(۳)، ۲۸-۱.
- رودساز، ح.، قربانی زاده، و. ا.، شادمهری، ن.، و سید موسوی، س. ح. (۱۳۹۷). تبیین الگوی بومی توسعه مشارکت الکترونیک در سیاست‌گذاری ایران. *سیاست‌گذاری عمومی*، ۴(۲)، ۱۰۴-۸۱.
- صادقی فسایی، س.، و عرفان‌منش، ا. (۱۳۹۴). مبانی روش‌شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی. مورد مطالعه: تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی. *راهبرد فرهنگ*، ۸(۲۹)، ۹۱-۶۱.
- قربانی‌زاده، و. ا.، شریف‌زاده، ف.، و معتضدیان، ر. (۱۳۹۴). تحلیل مسائل اجرای خط‌مشی‌های اداری. *مطالعات مدیریت راهبردی*، ۶(۲۴)، ۹۵-۶۷.

## References

- Anderson, J. E. (1994). *Public policymaking: An introduction*. 7<sup>th</sup> Ed. New York: Houghton Mifflin. <https://books.google.com/books?id=5YErQAAMAAJ&q>
- Bourgon, J. (2007). Responsive, responsible and respected government: Towards a New Public Administration theory. *International Review of Administrative Sciences*, 73(1), 7-26. [DOI:10.1177/0020852307075686]
- Buss, T. F., Redburn, F. S., & Guo, K. (2014). *Modernizing Democracy: Innovations in Citizen Participation*. 1<sup>st</sup> ed. New York: Routledge. [DOI:10.4324/9781315702322]
- Creswell, J. W. (2015). *Educational research: Planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research*. 4<sup>th</sup> Ed. Boston: Pearson. <https://books.google.com/books?id=6kk-nwEACAAJ&dq>
- Creswell, J. W., & Miller, D. L. (2000). Determining Validity in Qualitative Inquiry. *Theory Into Practice*, 39(3), 124-30. [DOI:10.1207/s15430421tip3903\_2]
- Danaeifar, H., & Esлами, A. (2011). [*Build a theory of organizational indifference* (Persian)]. Tehran: Imam Sadiq University. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/2427865>
- Deleon, P., & Martell, C. R. (2006). The policy sciences: past, present, and future. In B. S. Peters, & J. Pierre. (Eds.), *Handbook of Public Policy*. (pp. 31-76 ) London: SAGE. <https://books.google.com/books?id=hV-2JDRc4hwgC&dq>
- Fazi, E., & Smith, J. 2006. Civil dialogue: Making it work better. Brussels: Civil Society Contact Group. Retrieved from [http://euproact.org/files/democratic\\_governance/Civil\\_dialogue\\_making\\_it\\_work\\_better.pdf](http://euproact.org/files/democratic_governance/Civil_dialogue_making_it_work_better.pdf)
- Fedotava, O., Teixeira, L., & Alvelos, H. (2014). Citizens' engagement using communication technologies. In M. Khosrowpour (Eds.), *Encyclopedia of Information Science and Technology*. 3<sup>rd</sup> Ed. (pp. 2709-18). Hershey: Information Science Reference. [DOI:10.4018/978-1-4666-5888-2.ch264]
- Ghorbanizadeh, V., Sharifzadeh, F., & Motazedian, R. (2016). (Analysis of issues implementation organizational policies (Persian)]. *Journal of Strategic Management Studied*, 6(24), 67-95. [http://www.smsjournal.ir/article\\_88702.html?lang=en](http://www.smsjournal.ir/article_88702.html?lang=en)
- Hafer, J. A., & Ran, B. (2016). Developing a citizen perspective of public participation: Identity construction as citizen motivation to participate. *Administrative Theory & Praxis*, 38(3), 206-22. [DOI:10.1080/10841806.2016.1202080]
- Haller, W. (2016). *The Swiss constitution in a comparative context*. 2<sup>nd</sup> Ed. Zurich: Dike. <https://books.google.com/books?id=gIrdjwEACAAJ&dq>
- Hartley, J. (2004). Case study research. In C. Cassell, & G. Symon (Eds.), *Essential Guide to Qualitative Methods in Organizational Research* (pp. 323-33) London: Sage Publications Ltd. [DOI:10.4135/9781446280119.n26]
- Hazlehurst, D. (2001). Networks and policy making: From theory to practice in Australian social policy [MSc. thesis]. Canberra: The Australian National University. <https://catalogue.nla.gov.au/Record/1466806>
- Hercegovac, S., Kernot, J., & Stanley, M. (2020). How qualitative case study methodology informs occupational therapy practice: A scoping review. *OTJR: Occupation, Participation and Health*, 40(1), 6-16. [DOI:10.1177/1539449219850123] [PMID]
- Ianniello, M., Iacuzzi, S., Fedele, P., & Brusati, L. (2019). Obstacles and solutions on the ladder of citizen participation: A systematic review. *Public Management Review*, 21(1), 21-46. [DOI:10.1080/14719037.2018.1438499]
- International Association for Public Participation (IAP2). (2007). IAP2 Spectrum of Public Participation. Retrieved from [https://cdn.ymaws.com/www.iap2.org/resource/resmgr/pillars/Spectrum\\_8.5x11\\_Print.pdf](https://cdn.ymaws.com/www.iap2.org/resource/resmgr/pillars/Spectrum_8.5x11_Print.pdf)
- Kasymova, J., & Gaynor, T. S. (2014). Effective citizen participation in environmental issues: What can local governments learn? *State and Local Government Review*, 46(2), 138-45. [DOI:10.1177/0160323X14541549]
- Khan Mohammadi, H., Vaezi, R., & Delshad Tehrani, M. (2014). [Citizen participation model in public management based on Nahjolbalaghe's teachings (Persian)]. *Journal of Public Organizations Management*, 2(3), 25-48. [http://ipom.journals.pnu.ac.ir/article\\_1316.html?lang=en](http://ipom.journals.pnu.ac.ir/article_1316.html?lang=en)
- Klöti, U. (2004). *Handbook of Swiss Politics*. 2<sup>nd</sup> Ed. Zurich: Neue Zürcher Zeitung Publishing. <https://books.google.com/books?id=8UKOAAAAMAAJ&q>

- Kriesi, H., & Trechsel, A. H. (2008). *The politics of Switzerland: Continuity and change in a consensus democracy*. Cambridge: Cambridge University Press. [DOI:10.1017/CBO9780511790676]
- Kobach, K. W. (2007). The history of direct democracy in Switzerland. Retrieved from <http://www.athene.antenna.nl/MEDIATHEEK/KOBACH-1.html>
- Langton, S. (1978). *Citizen participation in America: Essays on the state of the art*. Lexington, MA: Lexington Books. <https://books.google.com/books?id=Sa-HAAAAMAAJ&q>
- Lijphart, A. (2012). *Patterns of Democracy*. London: Yale University Press. <https://books.google.com/books?id=VgbU6rhGG64C&dq>
- Linder, W. (2010). *Swiss democracy: Possible solutions to conflict in multicultural societies*. London: Palgrave Macmillan. <https://books.google.com/books?id=gnOG-DAAAQBAJ&dq>
- Linder, W. (2007). Strengths and weaknesses of direct democracy-The case of Switzerland, and beyond, Vortrag, gehalten in Bukarest. Retrieved from <https://wolf-linder.ch/wp-content/uploads/2010/11/Strengths-and-weaknesses-of-direct-democracy.pdf>
- Liu, H. C. (2011). *Organizational accountability in emergency management: Examining typhoon morakot from citizens' perspectives*. La Verne: University of La Verne. <https://books.google.com/books?id=G-1etwAA-CAAJ&dq>
- Maleki, A., & Bots, P. W. G. (2013) A framework for operationalizing the effect of national culture on participatory policy analysis. *Journal of Comparative Policy Analysis: Research and Practice*, 15(5), 371-94. [DOI: 10.1080/13876988.2013.846959]
- Halimah Abdul, M., Ahmad Martadha, M., & Alan, L. (2016). Assessing public participation initiatives in local government decision-making in Malaysia. *International Journal of Public Administration*, 39(11), 812-20. [DOI:10.1080/01900692.2015.1035788]
- Mees, H. L., Driessen, P. P. & Runhaar, H. A. (2014). Legitimate adaptive flood risk governance beyond the dikes: The cases of hamburg, helsinki and rotterdam. *Regional Environmental Change*, 14(2), 671-82. [DOI:10.1007/s10113-013-0527-2]
- Michels, A. M. B. (2006). Citizen participation and democracy in the Netherlands. *Democratization*, 13(2), 323-39. [DOI:10.1080/13510340500524067]
- Miles, I., Saritas, O., & Sokolov, A. (2016). *Foresight for science, technology and innovation*. Berlin: Springer. [DOI:10.1007/978-3-319-32574-3]
- Nabatchi, T., & Leighninger, M. (2017). *Public participation for 21<sup>st</sup> century democracy*. Hoboken: John Wiley & Sons. <https://books.google.com/books?id=xxnWB-gAAQBAJ&printsec=frontcover&dq>
- Newig, J., Challies, E., Jager, N. W., Kochskaemper, E., & Adzersen, A. (2018). The environmental performance of participatory and collaborative governance: A framework of causal mechanisms. *Policy Studies Journal*, 46(2), 269-97. [DOI:10.1111/psj.12209] [PMID] [PMCID]
- Rajabi Farjad H., & Daneshfard, K. (2014). [Public management (emphasis on the role of citizen participation in crime reduction) (Persian)]. *Quarterly of Order and Security Guards*, 7(3), 1-28. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=270454>
- Roberts, N. (2004). Public deliberation in an age of direct citizen participation. *American Review of Public Administration*, 34(4), 315-53. [DOI:10.1177/0275074004269288]
- Roodsaz, H., Ghorbanizadeh, V., Shadmehri, N., & Seyed Moosavi, S. H. (2018). [Explanation of indigenized model for e-participation in public policy making in iran, using grounded theory (Persian)]. *Public Policy*, 4(2), 81-104. [DOI:10.22059/PPOLICY.2018.67870]
- OECD, (2001). *Citizens as partners: Information, consultation and public participation in policy-making*. Paris: OECD Publishing. <https://books.google.com/books?id=XFZxZG-yupsC&dq>
- Rosenhead, J., & Mingers, J. (2001). *Rational analysis for a problematic world revisited: Problem structuring methods for complexity, uncertainty and conflict*. Chichester: John Wiley & Sons. <https://books.google.com/books?id=i30eAQAIAAJ&q>
- Sabatier, P. A. (1991). Political science and politics. *Towards Better Theories of the Policy Process*, 24(2), 147-56. [DOI:10.1017/S1049096500050630]



- Sadeqi Fasai, Erfanmanesh, I. (2015). (Methodological principles of documentary research in social sciences: Case of study: Impacts of modernization on Iranian family (Persian)]. *Strategy for Culture*, 8(29), 61-91. [http://www.jsfc.ir/article\\_15066.html](http://www.jsfc.ir/article_15066.html)
- Strauss A. L. & Corbin, J. M. (2011). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory* [B. Mohammadi, Persian Trans]. 3<sup>rd</sup> Ed. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/766135>
- Vatter, A. (2018). *Swiss federalism: The transformation of a federal model*. London: Routledge. [DOI:10.4324/9781315231693]
- Wagner, S. A., Vogt, S., & Kabst, R. (2016). The future of public participation: Empirical analysis from the viewpoint of policy-makers. *Technological Forecasting & Social Change*, 106, 65-73. [DOI:10.1016/j.techfore.2016.02.010]
- Wagner, S. A., Vogt, S., & Kabst, R. (2016). How IT and social change facilitates public participation: A stakeholder-oriented approach. *Government Information Quarterly*, 33(3), 435-43. [DOI:10.1016/j.giq.2016.07.003]
- Wirtz, B. W., Daiser, P., & Binkowska, B. (2018). E-participation: A strategic framework. *International Journal of Public Administration*, 41(1), 1-12. [DOI:10.1080/01900692.2016.1242620]
- Yin, R. K. (2009). *Case study research: Design and methods*. Thousand Oaks: SAGE. <https://books.google.com/books?id=FzawIAdilHkC&dq>